

بررسی انتقادی الحاد عمل‌گرایانه با تکیه بر آموزه زیارت و مناسک زیارتی

محمد جعفری^۱ / حسن قره‌باغی^۲
حمید رمضان‌ی

چکیده

خداباوری و الحاد، همیشه در تاریخ بشر در تقابل بوده و هر یک ادله و تبیین‌هایی برای خود بیان کرده‌اند. مناقشات فراوان آنان کانون مباحث کلامی و فلسفه دینی است. در عصر حاضر که ملحدان از هر روش علمی و فلسفی برای انکار دین بهره می‌جویند، برخی بر آن شده‌اند که به زعم خود با ادله‌ای عملگرایانه آثار زیانبار دین و ثمرات مثبت الحاد را بیان کنند از این رو نوشتار حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، برخی ادله آنان را تبیین می‌کند و سپس با استفاده از آموزه مهم زیارت و مناسک زیارتی - که در آنها مبانی و فواید گرایش به دین و دینداری نمایان است - به نقد ادله عملی الحاد می‌پردازد؛ به بیان دیگر در این مقاله کارکردهای دین در قالب زیارت و مناسک زیارتی بیان، در ضمن آن و به صورت سلبی، ادعاهای الحاد عملگرایانه به چالش کشیده می‌شود.

کلیدواژه‌ها: زیارت، مناسک زیارتی، الحاد، الحاد عملگرایانه، بهداشت روان.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۲. دانشجوی دکتری کلام اسلامی در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

۳. دانشجوی دکتری کلام اسلامی در مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

بشر در طول تاریخ، همواره دینی را پذیرفته و خدایی را پرستیده است. هر قوم و گروهی به شیوه‌ای خاص، خداباوری را بین خویش داشته و به پرستش آن پرداخته‌اند. در کنار خداباوری - یشه جنبه برتری داشته است - عده‌ای سخن از عدم وجود خدا و الحاد به میان آورده و از آن دفاع کرده و دین را ساخته انسان دانسته‌اند (Hitchens, 2007, p:8 & 10). با گذر زمان و پیچیده‌تر شدن مناسبات انسانی و علمی، کفر و انکار خدا نیز صورت‌هایی جدید به خود گرفته و فرهنگ غرب با دستاوردهای مبتنی بر تمدن لیبرالیستی، اومانیستی و سکولاریستی‌اش به ا - جریان دامن زده است.

الحاد در عصر حاضر، الگوها و تقسیم‌بندی‌های جدیدی پیدا کرده و مهم‌ترین شاخه‌های آن الحاد مدرن و فلسفی است. الحاد مدرن، ناشی از علم و علم‌بنیاد، و برآمده از پیشرفت علمی انسان - دید در قرن اخیر است. الحاد علمی سه شاخه دارد و سه علم، زمینه این الحاد را ایجاد کرده‌اند: نودارو نیسم، فیزیک و علوم شناختی.

ریشه الحاد فلسفی در مباحث و مبانی فلسفی است و برخلاف الحاد مدرن - که ابتدا از علم تجربی شروع می‌شود، ولی در نهایت دلالت‌ها و لوازم فلسفی دارد در الحاد فلسفی از ابتدا بحث فلسفی و الهیاتی مطرح است. الحاد فلسفی الگوهای مختلفی چون الحاد - ینه‌گرایانه، الحاد عمل‌گرایانه^۱ و... دارد. از این رو با توجه به گسترش چنین مطالبی در فضاهای علمی و دانشگاهی، ضروری است که مدعاهای این الگوها تحلیل و بررسی شود. میزان اعتبار دعاوی آنان مشخص گردد؛ به‌ویژه اینکه ملحدان - دید معتقدند مشکل دین و امان آن است که بر بیچ قرینه و شاهی استوار است (هات، ۱۳۹۹، ص ۹۲).

از سوی دیگر زیارت و مناسک آن به‌منزله یکی از آموزه‌ها و باورهای ادیان الهی مطرح

1. pragmatic atheism.

بوده که با وجود ظرفیت‌های بسیار الهیاتی می‌تواند نقش قابل توجهی در نقد و بررسی برخی گونه‌های الحاد همچون الحاد عمل‌گرایانه داشته باشد. از این رو سعی شده است برخی از جنبه‌های زیارت و مناسک آن که امکان لازم برای نشان دادن آثار و کارکردهای مثبت دین را دارند، بیان، و مدعیات، ادله و تبیین‌های ملحدان جهت ناکارآمدی و مضر بودن دین، بررسی انتقادی شوند.

مقاله حاضر با روش کتابخانه‌ای به توصیف و تحلیل مسئله می‌پردازد. کتب و مقالات مختلفی در نقد و بررسی الحاد تحریر شده است؛ اما تکنگاره‌ای یافت نشد که در آن به احصای ادله عمل‌گرایانه ملحدان و نیز نقد آن با توجه به آموزه زیارت پرداخته شده باشد. پس این نوشتار از دو جهت، جنبه نوآوری دارد؛ اولاً: ادله عمل‌گرایانه الحاد را تبیین می‌کند؛ ثانیاً: به بررسی انتقادی آنها از طریق زیارت و مناسک زیارتی می‌پردازد.

تبیین مفاهیم

وقتی فردی قصد زیارت مزور را می‌کند و از غیر او روی می‌گرداند، زائر نامیده می‌شود (ابن فارس، ۱۴۱۱ق، ج ۳، ص ۳۶). تنها آیه‌ای از قرآن کریم که در این معنا استعمال شده است، آیه ﴿الْهَاجِمُ التَّكَاثُرُ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ﴾ است.

زیارت در اصطلاح، ملاقات با کسی یا دیدار کردن از جایی است (عادل، ۱۳۹۵، ج ۲۱، ص ۸۴۷). زیارت در فرهنگ اسلامی گونه‌های مختلفی دارد؛ مانند: زیارت خانه خدا، زیارت اهل بیت علیهم‌السلام، زیارت امامزادگان و علما، زیارت اهل قبور، زیارت شهیدان و... در این نوشتار، مفهوم زیارت معنای عامی دارد؛ به نحوی که شامل رابطه قلبی زائر با مزور، قرائت زیارتنامه، ادعیه و اذکار توصیه‌شده پیش و پس از زیارت و... می‌شود.

الحاد از ریشه «لحد» به معنای یل بدون استقامت (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۲۳۶) و انحراف و عدول از چیزی است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۳۸۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸؛ فیروزآبادی، بی‌تا، ص ۳۱۷). وقتی فردی ملحد نامیده می‌شود، یعنی از حق و ایمان روی گردانیده است (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ج ۵، ص ۲۳۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۴۸).

الحاد را می‌توان دارای سه معنا دانست:

۱. ملحد به فردی اطلاق می‌شود که به انکار وجود خدای واحد و یگانه ادیان توحیدی بپردازد. بر همین اساس است که در متون دینی اسلام، الحاد را اسناد حوادث به دهر دانسته‌اند؛
۲. به فردی ملحد خطاب می‌شود که از دین اسلام روی برگرداند. بر این اساس کسی که از آیینی غیر از اسلام پیروی کند، ملحد شمرده می‌شود؛
۳. در این معنا هرگونه انکار یا ناباوری نسبت به هر یک از باورهای اصیل دینی، الحاد نامیده می‌شود. بر اساس این معنای از الحاد که عمومیت بیشتری در مصادیق نسبت به دو معنای قبل دارد، یک فرد هرچند به وجود خدا اعتقاد داشته باشد، با انکار یکی از باورهای اصیل اسلامی، ملحد نامیده می‌شود (ر.ک: صدر حاج سیدجوادی و خرمشاهی و فانی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۰۸-۳۰۹).

در مقاله حاضر، لفظ الحاد بیشتر به معنای اول ناظر است و تنها افرادی را شامل می‌شود که وجود خدای واحد و یگانه را انکار می‌کنند.

ملحدان جدید با پذیرش اینکه همه چیز را باید از راه علم و تجربه دریافت و اثبات کرد، بنای کار خویش را بر این گذاشته‌اند که دین قابلیت اثبات علمی ندارد و نمی‌توان طبق قاعده «تیغ اوکام» آن را تبیین کرد. بنابراین از آنجا که علم، تبیین متعارف و ساده‌تری از امور عالم و پیچیدگی‌های آن بیان می‌کند، مقبول‌تر از دین و باور به خداست. هیچ‌چیز در این زمینه می‌گوید که توجیحات دین تمام شده است و به لطف تلسکوپ و میکروسکوپ، دیگر هیچ تبیینی درباره هیچ امری ندارد (Hitchens, 2007, p:282).

الحاد عمل‌گرایانه

الحاد عمل‌گرایانه، در سه اصطلاح به کار رفته است:

۱. فواید عملی الحاد^۱: این اصطلاح غالباً توجهی به مقام نظر ندارد و به آثار زیانبار ایمان و آثار مثبت الحاد به‌منزله دو روی سکه می‌پردازد. در اینجا غالباً این امر دنبال می‌شود که

1. pragmatic atheism.

الحاد در مقام عمل، چه تأثیر مثبتی بر زندگی افراد دارد؛ مانند فضای خداباوری عمل‌گرا مثل پاسکال و جیمز که پاسکال به آثار دین در آخرت، و جیمز به آثار دین در دنیا توجه می‌کنند. مضرات عملی دین مثل اینکه دین با اختیار، ناسازگار است و قوای شناختی را محدود می‌کند. فواید عملی الحاد مانند اینکه باعث آزادی می‌شود و ما را از خشونت، خلاصی می‌بخشد.

۲. توصیه‌ای^۱: بیشتر جنبه توصیه‌ای دارد؛ یعنی از افراد می‌خواهد در مقام عمل به گونه‌ای عمل کنند که گویا خدایی وجود ندارد. در اینجا سخنی از امکان وجود خدا یا نفی آن به میان نمی‌آید و در واقع اصلاً به این مسائل اعتنایی نمی‌شود؛ بلکه صرفاً توصیه می‌کند که چگونه رفتار کنید. احتمالاً سکولاریسم، نمونه‌ای از این جریان است که دین را از عرصه اجتماع، معیشت و سیاست به حاشیه می‌راند.

۳. بی‌اعتنایی به الحاد و ایمان^۲: عدم تمایل معرفتی به مباحث مربوط به وجود یا عدم وجود خدا. در واقع بحث در مورد خدا را نفیاً و اثباتاً بی‌ارزش می‌داند و به این مسائل بی‌اعتناست.

منظور از الحاد عمل‌گرایانه در این نوشتار، معنای اول است.

ببین اد عمل‌گرایانه الحاد

ملحدان، سخنان و ادله گوناگونی در نقد خداباوری بیان می‌کنند که برخی از آنان جنبه عمل‌گرایانه، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی دارند. طبق باور آنها خدایی وجود ندارد و می‌توان به علم طبیعی، توجیهاتی برای اعتقاد مردم در طول تاریخ به دین بیان کرد و اگر این امر به نحو مناسب انجام شود و علم بتواند چرایی اعتقاد خداباوران به دین و خدا را تبیین کند، شکستی بسیار سنگین برای الهیات و دین رقم می‌خورد. آنان معتقدند که به جهت امور ذیل، خداباوری برای خداباوران توجیه پیدا کرده است؛ اما اگر درست توجه شود، آنها آثار مضر امان هستند که نتیجه آن عدم اعتقاد به خداست.

1. practical atheism.

2. apatheism atheism.

۱. موجود درجه یک و دو

مطابق این ادعا خداباوران به نحوی دچار از خود بیگانگی اند و خود را موجود درجه دو در عالم محسوب می‌کنند. ضعیف پنداشتن انسان و وابسته بودن او به موجودی فرامادی، حاصل این نگاه درجه دو به بشر است. خداباوران خدا را بسیار متعالی و دست یافتنی ترسیم می‌کنند که برخلاف انسان، حقیقتی نامتناهی، کامل، ازلی، غیر زمانمند و... دارد و قدرت و علمش بی‌نهایت است. در مقابل، انسان موجودی ضعیف، گنهکار، ناقص و... است که هیچ از خود ندارد (Feuerbach, 1957, p33).

بنابراین باید انسان از این رابطه ساختگی - که خود را در درجه و مرتبه پایین‌تری نسبت به خدا می‌داند - رها گرداند و واقعیت و حقیقت خویش را بازیابد. هیوم نیز در این زمینه معتقد است در جایی که الوهیت، بی‌نهایت برتر از نوع بشر معرفی می‌شود و این عقیده وقتی با وحشت‌های خرافی همراه شود، می‌تواند ذهن انسان را در پست‌ترین تسلیم و ذلت فرو برد (see: Hume, 1957, chapter X).

در این هنگام انسان خود را در مقابل خدا، بسیار پست و حقیر به شمار می‌آورد و همواره در حال توبه، مذمت خویش، عزلت‌گزینی و... برمی‌آید. ملحدان با ایجاد این رتبه‌بندی در صددند به انسان‌ها ا... کنند که نباید تحت تأثیر و سلطه خدا و دین قرار گیرند و... با یافتن هویت مستقل خویش، ارزشی به‌مرا ب بیشتر برای خود قائل شوند و به موجودی درجه یک و برتر نایل آیند.

۲. عقده‌های درونی و روانی

برخی بیان می‌کنند که خداباوری در انسان، باعث ایجاد اختلالات روانی می‌شود و او را پس از انجام دادن عملی که گناه است یا به زعم خداباوران در جهت رضایت خدا نیست، دچار عذاب وجدان، سرخوردگی و عقده‌های روان‌شناختی می‌کند. فروید به این نکته تأکید دارد و سخنش این است که اگرچه دین و خداباوری در یک دوره زمانی می‌توانسته به بشر و جامعه کمک کند، اما امروز باید به سمت دیگری رفت.

فروید در کتاب *The Future of an Illusion* بیان می‌کند که باور دینی، عدم بلوغ روان‌شناختی را بین افراد، و عدم بلوغ فرهنگی را در سطح اجتماع تداوم می‌بخشد. در واقع به گفته فروید، دین و اعتقاد مذهبی، توهمی است که حتی در مواجهه با شواهد قوی بر ضدشان، باقی مانده‌اند. این توهمات درحالی‌که ممکن است در گذشته مفید بوده باشد، اما دیگر چنین نیست. اکنون توهم مذهبی از دست علمی جلوگیری می‌کند و باعث روان‌رنجوری افراد می‌شود. دین صرفاً هیزمی بر آتش عقده‌هایی است که در درون انسان‌ها وجود دارد و در کنار اینکه مشکلات درونی و نهفته انسان‌ها را برطرف نمی‌کند، همیشه آنها را با باور به وجود خدایی پیش می‌برد که قرار است زندگی انسان را تدبیر کند. گویا در اندیشه فروید، انسان‌ها با زیست دینی و اخلاقی به سرکوب بیشتر امیال و احساسات خویش می‌پردازند و باید برای رهایی از این تنگنا، خداباوری و دینداری را کنار نهند تا به حالت طبیعی برسند.

۳. خطرناک و عامل خشونت بودن دین

بر اساس دیدگاه الحادی دیگر، خداباوران و اهل ایمان، رفتار خشن‌تری دارند. داوکینز اصطلاحی با عنوان «میم» (Mem) بر اساس اصطلاح ژن (Gen) مطرح کرده، از آن به «ویروس ذهنی» تعبیر می‌کند و معتقد است خداباوری این ویروس ذهنی را ایجاد می‌کند که شخص دیندار خودش مرتکب کارهای غیر اخلاقی و خشن است، اما دیگران را به آن متهم می‌کند (Dawkins, 2006, p:211 - 213).

هیوم نیز یکی از آثار اجتماعی باور به خدا را، عدم تحمل مخالف و شکنجه و تهدید آنها می‌داند که در نهایت چیزی جز خشونت از دل دینداری بیرون نخواهد آمد (see: Hume, 1948, chapter IX).

برخی هم سخن از خطرناک بودن دین به میان می‌آورند؛ زیرا پذیرش دین باعث عدم تسامح، تنفر، فرقه‌گرایی، محدود کردن آزادی فکر، نژادپرستی، فرودست‌پنداری زنان و عدم تساوی جامعه می‌شود. افرادی چون داوکینز و هیچنز بر این باورند که ایمان، از عوامل اصلی شرور و مصائب بین انسان‌هاست. ادیان توحیدی و غیر توحیدی به نحوی متدینان را بار

آورده‌اند که همواره در طول تاریخ، منشأ شرارت و کشتار بوده‌اند (هات، ۱۳۹۹، ص ۴۵؛ Dawkins, 2006, p:164). کشته شدن هزاران هزار دیندار به‌ویژه متدینان دیگری مثل داعش، القاعده، بوداییان، هندوها، وهابیون و... تنها نمونه‌هایی از جنایات صورت گرفته در عصر حاضر به نام خدا، دین و دینداری است.

راسل هم در مقدمه کتاب چرا مسیحی نیستیم؟، دو مؤلفه خطرناک برای دین یا مذهب برمی‌شمارد که طبق آن، دین نتیجه‌ای جز خشونت و کوتاه‌فکری به بار نمی‌آورد: اولین آنها مربوط به نوع خود عقیده است - زیرا دینداران باید تسلیم آن عقاید بود - و دومین آنها چیزی است که راسل از آن با عنوان اصول حاکم بر این عقاید نام می‌برد؛ چون مؤمن، تنها فردی است که در مواجهه با سؤالات، اشکالات و مدارک مخالف با ایمانش، هرگز کوچک‌ترین شکی به ایمان خود پیدا نمی‌کند؛ بلکه اگر مدرک یا شاهده‌ای در وجود فرد مؤمن ایجاد شک کند، باید خود آن مدرک و ایجادکننده‌اش رفع شود (Russell, 2005, xxiii & xxiv). این مؤلفه‌ها باعث می‌شوند متدینان، افرادی سرشار از تعصب و دشمنی نسبت به دیگران شوند.

۴. عدم شناخت برخی واقعیات

استدلال عمل‌گرایانه دیگر در حوزه الحاد این است که اگر خدا وجود داشته باشد، انسان قدرت شناخت برخی امور را نخواهد داشت؛ به‌این معنا که انسان، توانایی شناخت تمام واقعیات را ندارد. مؤمنان برای برخی از حقایق دینی اهمیت بسیار زیادی قائل‌اند و حال آنکه به عدم امکان شناخت این حقایق نیز اعتراف می‌کنند. به بیان کاهان اگر خدا وجود داشته باشد، درک کامل واقعیت از سوی انسان‌ها ممکن است در اصل دست‌نیافتنی باشد (Kahane, 2011, p:674-696). شاید از جمله مواردی که ملحدان بتوانند به آن استناد کنند و بگویند پذیرش دین سبب محدود شدن قوای شناختی شده است، علم به ذات‌های یا حقیقت روح و امور مجرد و نیز ویژگی‌های سرای آخرت و... باشد.

۵. عدم وجود استقلال اخلاقی

برخی دیگر معتقدند خدا باوری، استقلال اخلاقی را از انسان می‌گیرد؛ زیرا باید ببیند خدا چه می‌گوید و آن را عمل کند (Dawkins, 2006, p:226-227) و مهم‌تر از همه اینکه، انسان دیگر زندگی خصوصی ندارد؛ چون یکی از ویژگی‌های خدا این است که عالم مطلق، و همه‌جا همراه انسان است و این قابل قبول است که بگوییم انسان زندگی خصوصی ندارد. اگر خدا وجود داشته باشد، ممکن است خصوصیت کامل از بین برود؛ زیرا یک موجود دانای کل احتمالاً می‌تواند افکار و نگرش‌های مخلوقاتش را بشناسد؛ به عبارت دیگر اگر خدا وجود داشته باشد، ممکن است استقلال اخلاقی محدود شود؛ زیرا انسان‌ها به منزله مخلوق ممکن است تابع خواسته‌های خداوند، از جمله خواسته‌های عبادت، اطاعت و... باشند (Dawkins, 2006, p:230-231).

۶. هزینه مالی بی‌وجه

از اموری که به پندار ملحدان از مضرات و آسیب‌های دین و ایمان به شمار می‌رود، هزینه‌کرد بی‌وجه پول و سرمایه است که مؤمنان برای تثبیت ایمان و نهادهای دینی خرج می‌کنند. مؤمنان با انجام اموری چون بلیغات دین، مناسک حج، نذور و... به جای آنکه به فقر برسند و رفع حوائج آنان را پیگیری کنند، اموال و دارایی خود و جامعه را به باطل مصرف می‌کنند. منابع مالی انسان‌ها را می‌بلعد و در سطح کلانی آنها را هدر می‌دهد؛ بدون اینکه برای کسی فایده‌ای داشته باشد (Dawkins, 2006, p:164 & 166).

۷. عدم نیاز به دین و جایگزینی اخلاق

طبق باور ملحدان، لازمه اخلاق، ایمان به خدا نیست و مردم حتی اگر ایمان نداشته باشند، رفتارشان بهتر از زمانی است که ایمان داشته باشند. مؤمنان، ایمان به خدا را تکیه‌گاهی برای عدم فروپاشی اخلاق برمی‌شمارند و می‌گویند اگر خدا به منزله موجودی خالق و خیرخواه محض وجود نداشته باشد، انجام دادن و ارتکاب هر عمل و فعلی برای افراد جایز و روا خواهد بود؛ زیرا کسی آنها را چیزی امر و نهی نکرده و چارچوبی برایشان تعیین نفرموده

است. خدای ادیان به نحو ازلی و ابدی اموری را معیار قرار داده و از بندگان طلب کرده است که مطابق آن رفتار کنند.

اما طبق باور ملحدان، اولاً لازمه اخلاق، باور به خدا نیست؛ ثانیاً افراد جامعه بشری در صورتی که اعتقاد به خدا را کنار بگذارند، اعمال و رفتار بهتری خواهند داشت (هات، ۱۳۹۹، ص ۱۲۰)؛ به بیان دیگر باور به خدا جنبه ضمانت برای اخلاق و اموری از این دست پیدا کرده است. پس اگر خدا ناباوران بتوانند تبیینی کاملاً طبیعی و مبتنی بر زیست‌شناسی تکاملی از اخلاق ارائه دهند، جایی برای امان دینی در اندیشه بشر باقی نخواهد ماند. در اندیشه آنان اگر زنبورها و مورچه‌ها می‌توانند به نحو طبیعی و بدون خدا، وظیفه‌شناس و نوع‌دوست باشند، چرا ما انسان‌ها بر اثر تکامل زیستی چنین نباشیم. جان اف. هات در این زمینه می‌نویسد:

اخلاق، امری کاملاً طبیعی است. از این رو حتی والاترین آرمان‌های اخلاقی ما از بالا نازل نشده‌اند. مؤمنان دچار این توهم‌اند که دستورها و اوامر الهی، در ذهن یک شارع الوهی ریشه دارند. همین امر به احکام ما رنگ و بوی مرجعیت و وثاقت می‌دهد؛ اما از منظر داروینی، اخلاق انسانی نتیجه کاملاً طبیعی نیاز ژن‌های ما به جاودانگی است. ممکن است چنین به نظر آید هنگامی که با فضیلت هستیم، در واقع به واسطه ارزش‌های ازلی تحریک شده‌ایم. این نه خدا، بلکه ژن‌ها هستند که کل نمایش وجود اخلاقی را هماهنگ و همساز می‌کنند (هات، ۱۳۹۹، ص ۱۲۵).

رچارد داوکینز بر این باور است که دین نهایتاً می‌خواهد امور اخلاقی را بیان کند که البته در این مقصود هم ناکام بوده است (Dawkins, 2006, p:237). داوکینز تلاش می‌کند در ضمن مثال‌هایی به مخاطبان خود بقبولاند که مردم بر سر اصول اخلاقی توافق دارند و از این رو نمی‌توان اخلاق را از کارکردهای دین به حساب آورد. وی می‌گوید که زیر بار نرفتن مردم برای تقلب کردن، دوری از آدم‌کشی، موافقت با آزادی بیان حتی زی که با گوینده هم‌نظر نیستند و... دلیل بر این است که اصول اخلاقی بین تمامی مردم مشترک‌اند؛ هرچند در این

میان، افرادی به گمان خود، این ارزش‌های اخلاقی را از دین آموخته باشند (Dawkins, 2006, p:262-263). به باور او حس خوبی و بدی در انسان‌ها ناشی از تکامل داروینی است (Dawkins, 2006, p:214-215 & 219-220). افرادی چون ریلینک (Grayling, The good book) توانسته‌اند آموزه‌هایی غیر دینی را جمع‌آوری کنند که جایگزین دین و کتب مقدس شود؛ البته داوکینز خود چندین قاعده مطرح می‌کند که آنها هم می‌تواند همچون ده فرمان، بدون وابستگی دینی، قواعد اخلاقی مورد نیاز جامعه را پوشش دهد (داوکینز, ۲۰۰۶, p:۲۶۴-۲۶۵).
س — هریس، سعادت و خوشی را هدف نهایی انسان می‌داند و بدون ارائه تعریف و چارچوبی مشخص برای سعادت، معتقد است که انسان‌ها باید هدف از زندگی اخلاقی را رسیدن به آن قرار دهند (ر.ک: هات، ۱۳۹۹، ص ۴۴؛ Harris, 2004, p:205 & 170).

۸. ایمان، عامل رنج و محنت

طبق باور ملحدان، ایمان به خدا عاملی است که سبب می‌شود انسان‌ها در رنج و سختی، زندگی خویش را به سر برند؛ رنج و محنت‌هایی که غیر ضروری است و آزادی انسان را محدود کرده و دلیلی برای آنها یافت نمی‌شود (Harris, 2004, p:58-73 & 85). ملحدان اظهار می‌کنند که ادیان افراد را به انجام کارهایی چون روزه گرفتن، زیارت رفتن، یایش و عبادت، فرو بستن چشم از لذات و خوشی‌ها، رانیت و... وادار می‌کنند و تمامی این امور، محنت‌هایی را برای افراد به ارمغان می‌آورند. انسان‌هایی که می‌توانند از مواد غذایی و نوشیدنی‌های مختلف لذت ببرند و زمان خویش را صرف این امور کنند که مطابق با خواست آنهاست، باید به خود سختی بدهند و از این مواهب دست بکشند. آزادی و قدرت اختیار انسان در صورت پذیرش خدا باوری محدود می‌شود. داوکینز معتقد است رفتارهای اخلاقی مؤمنان، کاری زبونانه و چاپلوسانه است؛ چراکه تنها به خاطر ترس از عقوبت و امید به پاداش صورت می‌پذیرد (Dawkins, 2006, p:226).

۹. جهالت انسان

از جمله بیان‌های دیگری که در سخن ملحدان درباره دینداری مردم وجود دارد، آن است

که جهل و نادانی بشر نسبت به علل و عوا پدیده‌های مختلف، باعث شده تا آنان در طول تاریخ به دینداری روی بیاورند و همچنان دین، آنها را در این جهل نگاه داشته است. سم هریس در همین باره می‌گوید: «ه یقین باید روزی برسد که به‌روشنی اذعان کنیم الهیات اکنون تقریباً شاخه‌ای از جهالت انسانی است. در واقع الهیات نوعی جهل با شاخه‌های متعدد است» (Harris, 2004, p:172).

این دیدگاه در سخنان آگوست کنت ریشه دارد که با توصیف سه مرحله ربانی، فلسفی و علمی برای حیات انسانی در طول تاریخ، نتیجه می‌گیرد که بشر در مرحله نخست، ایای بی‌جان را زنده می‌پندارد و برای آنها روح در نظر می‌گیرد. سپس برای هر نوعی از موجودات، خدا انسی جداگانه (خدای رود، خدای جنگل و...) تصور می‌کند و نهایتاً همه آنها را به یک خدای واحد بازمی‌گرداند (ر.ک: آرون، ۱۳۸۱، ص ۹۰؛ یوس-یان، ۱۳۹۰، ص ۲۹). می‌شود این‌گونه برداشت کرد که به باور کنت، وقتی انسان‌ها به مرحله علمی برسند، دیگر جایی برای دین وجود نخواهد داشت؛ چراکه علم تمامی جهل‌های انسانی نسبت به موضوعات مختلف را حل خواهد کرد. اگر دین در این زمان بخواد به حیات ادامه دهد، به زیست جاهلانه انسان‌ها منجر خواهد شد.

۱۰. نیاز انسان به الگو و معنا

مایکل شرمر نیاز انسان به داشتن الگو و معنا را زمینه به وجود آمدن دین بیان کرده است (shermer, 2000, p:87-115). داوینز هم به این مطلب اشاره می‌کند و می‌گوید که یک فرد ممکن است خدا یا شخصیت‌های موجود در کتب مقدس را الگوی زندگی خویش قرار دهد (Dawkins, 2006, p:237). هر دو مورد، صلاحیت لازم را برای الگو قرار گرفتن ندارند؛ زیرا خدای مطرح‌شده در کتاب مقدس، موجودی است که «حسادت کرده، به آن افتخار می‌کند؛ ک کنترل عجیب و غریب، ناعادلانه و غیر قابل گذشت بر جهان دارد؛ کینه‌توز و خونخوار است و پاکسازی قومی می‌کند؛ زورگوست؛ زن‌ستیز، همجنس‌گرا، نژادپرست، کودک‌کش، نسل‌کش، خودبزرگ‌بین، سادومازوخیست و... است» (Dawkins, 2006, p:31&254). پیامبران

دینی همچون یعقوب، ابراهیم، نوح و... نیز که از سوی چنین خدایی فرستاده شده‌اند نمی‌توانند الگوی خوبی برای بشر باشند و سرمشق زندگی آنان قرار گیرند.

پیتر برگر نیز معتقد است انسان در طول تاریخ، احساس فقدان معنا را همواره با خود دارد و با جهانی از بی‌نظمی، ظلم، تجاوز و... مواجه بوده است که این نیاز او را تشدید می‌کردند. از این رو انسان‌ها برای معنا بخشیدن به زندگی خود، دین را پذیرفته و آن را عامل یک نظام معنایی و انسجام‌بخش بر شمرده‌اند. وی اظهار می‌کند که دین، مجموعه‌ای از معانی است که افراد برای زیست خود در این جهان به وجود آورده‌اند و با آن سعی می‌کنند امور، افعال، حرکات و... خود و جهان را معنا ببخشند (Berger, 1973, p:27-28 & Berger, 1967, p:26)؛ اما دینی که برآمده از جهل، ترس، فرافکنی و... است، چطور می‌تواند معنابخش زندگی انسان‌ها باشد. داکینز بر این باور است که انسان می‌تواند بدون مراجعه به دین، یک مجموعه ده فرمان نوین شکل دهد که به مراتب بهتر از فرمان‌های یهوه است و در آن الگوهای اخلاقی مناسبی تهیه کند.

بیین کارکرد ای دین در قالب زیارت برای نقد ادله الحاد عمل‌گرایانه

خداوند انسان را آفریده است تا او بر اساس رفتار اختیاری خود در سیر کسب کمالات و سعادت ابدی حرکت کند و برای پیمودن این راه، امکانات و زمینه‌های لازم را در اختیارش قرار داده است. خداوند بشر را متشکل از دو ساحت مجرد و مادی آفریده است و بنا به حکمت خود، مدتی او را در این جهان مادی جای داده تا مورد ابتلا و آرزیش قرار گیرد و از این رهگذر بتواند زاد و توشه زندگی ابدی‌اش را فراهم آورد و به سعادت و کمال نایل آید. ساحت مجرد انسانی پس از مرگ، بدون نیاز به بدن مادی باقی می‌ماند و نتایج اعمال خود را در جهان طبیعی می‌بیند. افزون بر این، سرشت یا فطرت از ابزارهایی است که زمینه را برای سعادت انسان‌ها فراهم کرده و در اختیارش قرار داده است. بُبُ بینشی سرشت انسان است که باعث می‌شود فرد، خود را فقیر و نیازمند وجودی متعالی بداند و هیچ‌گونه استقلالی برای خود در نظر نگیرد و در کنار این، گرایش کمال‌خواهی، یکی از ابعاد سرشتی انسان، او را به سمت

کمال مطلق، یعنی همان پروردگار عالم، سوق می‌دهد و انسان به وسیله ا گرایش می‌تواند به اندازه تلاش و ظرفیت خود، به خداوند تقرب یابد و سعادتش را کسب کند.

الحاد عمل‌گرا پس از اینکه در مقابله با ادله عقلی اثبات خدا و دین، خود را ناتوان دیده است با طرح ادعاهای مختلف، می‌کوشد دین را ناکارآمد نشان دهد تا از این طریق، دنداری و تدین را از مردم بگیرد. آنها گاهی می‌گویند دین ممکن است انسان را از بهداشت روانی خارج، و دنداران را دچار اختلال روانی کند یا در بیانی دیگر از هزینه‌هایی که برای مناسک عبادی مصرف می‌شود، به دین حمله می‌کند و به گمان خود آن را از میدان به در می‌برند. از این رو در ادامه، ابتدا به تعریف بهداشت روانی و ملاک‌های آن می‌پردازیم و سپس برخی فرازها و مضامین زیارات را مورد دقت و توجه قرار داده، بر پایه ادعاهای مذکور ملحدان عمل‌گرا را نقد و بررسی می‌کنیم.

۱. بهداشت روان

بهداشت روان در نگاه روان‌شناسان به شکل‌های گوناگونی تعریف شده است (سلیمانی، ۱۳۸۸، ص ۱۹)؛ به گونه‌ای که نمی‌توان معنای واحدی برای آن در نظر گرفت (نوید و راتوس، ۱۳۸۹، ص ۳)؛ چراکه انسان سالم به فردی گفته می‌شود که به خوبی بتواند نقش خود را در جامعه ایفا کند و رفتارهایی مناسب و سازوارانه از خود بروز دهد و کسی که چنین نباشد، بیمار قلمداد می‌شود. با توضیح معلوم می‌شود که هر جامعه‌ای متناسب با فرهنگ‌ها، ارزش‌ها و باورهای خود به قضاوت سلامت یا بیماری افراد می‌نشیند. بنابراین ممکن است یک عمل در جامعه‌ای پسندیده تلقی شود و در جامعه‌ای دیگر ناپسند و منفی به نظر آید (نوید و راتوس، ۱۳۸۹، ص ۲-۳). این تفاوت نگاه‌ها در تعیین معیار و مؤلفه‌های بهداشت روانی نیز تأثیر گذاشته و بر همین اساس از سوی روان‌شناسان، شاخص‌های متفاوتی برای بهداشت روانی ارائه شده است (ر.ک: قاسمی، ۱۳۸۸؛ سالاری‌فر و دگران، ۱۳۹۰).

بهداشت روانی چندین عنصر دارد؛ به نحوی که عوامل فراوانی بر سلامت فرد تأثیر می‌گذارند و خود این عوامل نیز از همدیگر اثر می‌پذیرند. برخی از مؤلفه‌های بهداشت

عبارت‌اند از: خودمختاری، استقلال، عزت نفس، سرزندگی، توانایی برای رشد، توانایی برای یافتن معنا در زندگی، انعطاف‌پذیری، احساس تعلق‌پذیری، واقعیت‌گرایی، مدیریت استرس، توانایی کمک کردن به دیگران، صمیمیت، احساس جمع‌گرایی، دسترسی به امکانات مناسب، تحمل نکردن خشونت و نظر مثبت اما واقع‌بینانه در مورد دنیا (نوید راتوس، ۱۳۸۹، ص ۳).

۲. برخی از مضامین زیارات

شناخت صحیح واقعیت، یکی از مؤلفه‌های لازم برای کسب بهداشت روانی است (رک: حقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۵۱-۱۵۲). زیارت در زمینه‌های متعدد می‌تواند آگاهی‌بخش باشد و بر پایه همین معرفت‌افزایی، زمینه را برای کامیابی و آرامش روانی بشر فراهم کند. در ادامه به بخشی از گزاره‌های شناختی زیارات اشاره خواهد شد:

الف) شناخت نسبت به وجود خالق و برخی صفات او

محتوای زیارت‌نامه‌ها توصیفاتی از خدا و خالق عالم و همچنین صفات وی در اختیار انسان‌ها قرار می‌دهد تا بدین وسیله آگاهی‌های بیشتر و عمیق‌تری از خالق به دست آید؛ برای مثال در دعای پس از زیارت امام جواد علیه السلام چنین بیان شده است:

اللَّهُمَّ أَنْتَ الرَّبُّ وَأَنَا الْمَرْبُوبُ وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَأَنَا الْمَخْلُوقُ... وَأَنْتَ الْقَادِرُ وَأَنَا الْعَاجِزُ وَأَنْتَ الْقَوِيُّ وَأَنَا الضَّعِيفُ... وَأَنْتَ الْمُدَبِّرُ وَأَنَا الْمُدَبَّرُ... وَأَنْتَ الْغَنِيُّ وَأَنَا الْفَقِيرُ... وَلَا أَجِدُ مَنْ يَرْحَمُنِي غَيْرَكَ... إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

خدایا! تویی پروردگار و منم پروریده و تو آفریدگاری و منم آفریده... تویی توانا و منم خسته و درمانده و تویی نیرومند و منم ناتوان... و تویی تدبیرکننده و منم که تحت تدبیر توام... تویی بی‌نیاز و منم فقیر... و من غیر از تو کسی را ندارم که به من رحم کند... به راستی تو هر کس را که بخواهی، به راه راست راهنمایی می‌کنی

- الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْأَحَدِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۲۰).

- أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۳).

متون زیارت، صفاتی را برای خداوند بیان می‌کند که به روشنی وابستگی مخلوقات از

جمله انسان را به پروردگار نشان می‌دهد؛ برای مثال وقتی از عبارت «فقیر» برای انسان استفاده می‌کند، منظور صرفاً فقر مالی نیست؛ بلکه نیازمندی انسان در تمامی شئون وجودی مورد نظر است (ر.ک: طالبی چاری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱-۱۵۱). بر این اساس مخلوقات هیچ‌گونه استقلالی از خود ندارند؛ بلکه عین ربط و وابستگی به پروردگار عالم هستند. برای فهم بهتر فقر محض مخلوقات به خدا بهتر است نحوه وجودبخشی خداوند به مخلوقات تحلیل شود:

در هر دادوستدی حداقل چهار امر وجود دارد: یک - دهنده (که در اینجا همان علت وجودبخش است)؛ دو - گیرنده (مخلوق یا معلول)؛ سه - شیء داده‌شده (وجود)؛ چهار - دادن (اجاد)؛ فعلی که علت وجودبخش انجام می‌دهد).

حال اگر فرض شود معلول موجود باشد و وجودی که از علت دریافت می‌کند، وجود دیگری باشد، لازم می‌آید آنچه معلول فرض شده بود، معلول نباشد؛ زیرا پیش از اینکه علت بخواهد به او وجود بخشد، موجود بوده و این تناقض است. پس ناچار باید پذیرفت معلول، خود همان وجود اعطا شده است و در خارج، دو امر وجود ندارد. با توجه به این توضیح باید پذیرفت که وجود، بین خود وجودبخشی است؛ زیرا نمی‌توان گفت علت به موجود، وجود بخشیده است و نمی‌توان شیئی را به خودش بخشید. در حقیقت، معلول عیناً همان خود فعل علت است و بر این اساس در عالم، تنها خدا و عمل او وجود دارد. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۵، ص ۳۴۴-۳۴۶).

وقتی خداوند با عبارت صمد توصیف می‌شود، وجه به همین نکته دارد که مخلوقات برای رفع نیازهای خود به خداوند نیاز دارند؛ زیرا اصل وجود، صفات و آثاری که دارند، همه حاصل اعطای خداوند است (طباطبایی، ج ۲۰، ص ۳۸۸).

باید توجه داشت وقتی متون زیارتی، بی‌نیازی مطلق را برای خداوند بیان می‌کنند، در واقع برخورداری از تمام صفات کمالی (ا کمال مطلق) را برای او می‌پذیرند؛ چراکه اگر خداوند در بُعدی از ابعاد وجودی خود فاقد کمالات باشد، در آن بُعد نیازمند قلمداد می‌شود که این با بی‌نیازی محض، ناسازگار است (ر.ک: عبودیت و مصباح، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸-۱۷۹) و پس از

اینکه کمال مطلق الهی پذیرفته شد، هر کسی باید دنبال کسب کمالات و فضایل اخلاقی باشد و خود را شبیه کامل مطلق کند.

فرازهایی از زیارات به تبیین فعل الهی نسبت به دوستان و دشمنان خدا می پردازند که می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- «اللهم العن قتلة أنبيائك و أوصياء أنبيائك بجميع لعناتك و أصلهم حر نارك، اللهم العن الجوابيت و الطواغيت و الفراعنة و اللات و العزى» (شیخ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۷۴۳).
از این فراز معلوم می شود خداوند با دشمنان اهل بیت علیهم السلام، که در واقع همان دشمن خدا و دین اویند، به شدت دشمنی دارد و آنها را به عذاب دچار خواهد کرد.

- «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ... وَمَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اِعْتَصَمَ بِاللَّهِ... مَنْ أَنَاكُمْ نَجَا... سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ... هُدِيَ مَنْ اِعْتَصَمَ بِكُمْ، مَنْ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۰۷).
از این فراز نیز روشن می شود که خداوند بیشترین رأفت را نسبت به دوستان اولیایش دارد.

مضامین زیارتی از رابطه خدا و انسانها نیز پرده برمی دارند و به روشنی بیان می کنند که هدایت و مغفرت، تنها از طریق حضرت حق، محقق می شود؛ اما اگر فردی به سمت استکبار و دشمنی با خدا و اولیای او برود، دچار غضب و عذاب اخروی خواهد شد. البته باید بیان شود که پاداش و عذاب الهی، امری قراردادی نیستند؛ بلکه رابطه حقیقی و وینی بین فعل افراد و پاداش و عقوبت آنان برقرار است؛ یعنی هر فرد مستقیم فعل خود را دریافت می کند؛ چنانکه آیه شریفه به روشنی بر آن دلالت می کند: ﴿وَمَا تَقْدُمُوا لَأَنفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (بقره: ۱۱۰)؛ «بدانید که هر چه از اطاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می فرستید، آن را نزد خدا خواهید یافت» (ر.ک: مطهری، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۳۰-۳۲؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۳۷-۴۴۰).

ب) شناخت نسبت به برگزیدگان و اوای خدا

متون زیارتی، معصومان علیهم السلام را بهترین بندگان خدا و برخوردار از بالاترین مراتب و کمالات

معرفی می کنند. این افراد، مطلوب ترین انسان ها از جانب پروردگار معرفی شده و دارای تمامی مؤلفه های شخصیتی مثبت بوده و از بالاترین درجات بهداشت روانی برخوردارند (نوید و راتوس، ۱۳۸۹، ص ۳؛ کریمیان و شفیع مارندران، ۱۳۹۳، ص ۱۹).

عبارات ز گویای این مطلب اند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ... وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ، وَخَزَانَ الْعِلْمِ، وَمُنْتَهَى الْجِلْمِ، وَأَصُولَ الْكِرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءَ النَّعْمِ، وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ... وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَنِ... أَنَاكُمُ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ... إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلَهُ وَفِرْعَهُ وَمَعْدِنَهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ (ابن بابویه، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۶۰۹-۶۱۵).

سلام بر شما ای اهل بیت نبوت... مرکز فرود آمدن وحی و معدن رحمت و خزانه داران علم و نهایت بردباری و ریشه های کرم و رهبران امت ها و سرپرستان نعمت ها و بنیادهای نیکان و استوانه های خوبان... و درهای ایمان و امینان خدای رحمان... خدا آنچه به شما عنایت کرده، به احدی از جهانیان مرحمت نفرموده است... اگر از خوبی یاد شود، آغاز و ریشه و شاخه و سرچشمه و جایگاه و نهایتش شماست.

در مضامینی دیگر، راه شناخت خداوند در به پیامبر گرامی اسلام ﷺ و اهل بیت مطهر ایشان عليهم السلام دانسته شده است؛ برای مثال

- مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ؛ (همان، ص ۶۱۵) هر که آهنگ خدا کند، به وسیله شما آغاز می کند.
- مَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج ۲، ص ۳۰۳ و ۳۱۵)
- مَنْ أَنَاكُمْ نَجَا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ تَحْكُمُونَ (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۱۳۶-۱۳۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۳۶۵-۳۶۷؛ طباطبایی، بی تا، ج ۱۸، ص ۴۲-۴۸).

آنکه به سوی شما آمد، نجات یافت و هر که نیامد، هلاک شد. شما مردم را به سوی خدا می خوانید

و به وجود او راهنمایی می کنید و همواره در حال ایمان به او هستید و تسلیمش می کنید و به فرمانش عمل می کنید و به راهش ارشاد می نمایید و به گفته اش داوری می کنید.

این عبارات نشان می دهد معصومان علیهم السلام کانون هدایت و نجات الهی هستند؛ زیرا همان گونه که بیان شد، انسان ها برای کسب کمالات و رشد به این دنیا آمده اند و خداوند برای رسیدن به کمالات و کسب تقرب، انسان ها را به گرفتن و به توصیه فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (مائده: ۳۵)؛ «ای اهل ایمان! از خدا بترسید و به سوی او وسیله جوئید و در راه او جهاد کنید. باشد که رستگار شوید». با توجه به مجموع این دلایل معلوم می شود چهارده معصوم علیهم السلام از جایگاه ویژه ای نزد خداوند برخوردارند و توجه و حرکت در مسیر ایشان، حرکت در مسیر خداوند و تقرب به اوست. از مهم ترین شئون بیان شده در زیارت جامعه کبیره برای اهل بیت علیهم السلام، «و یت تکوینی» ایشان است که فراز «مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّه» (بخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۳) به آن اشاره می کند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۰، ج ۷، ص ۲۷-۳۸؛ فقیهی و عسکری، ۱۳۹۳، ص ۱۲). با وجود اینکه همواره زیارتنامه ما مردم را به شناخت اهل بیت علیهم السلام تشویق کرده اند، اما در زیارت جامعه کبیره به روش بیان می شود که امکان دسترسی به شناخت کامل نسبت به چهارده معصوم علیهم السلام وجود ندارد:

فَبَلِّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ، حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ، وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ، وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ، وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ (شیخ صدوق، ج ۲، ص ۶۱۳).

معارف زیارتی علت اساسی رسیدن معصومین به جایگاه و کمالات چنین رفیع را این گونه بیان می دارد: «أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَأَتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ» (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۱۰ و ۳۱۷). از

و ژگی های دیگر معصومان علیهم السلام حاضر بودن و پاسخگویی ایشان به زائران خود است و همین مسئله را می توان از دلایل ثمربخش بودن زیارت برشمرد که اذن دخول حرم های ریفه از آن پرده برمی دارند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا أَعْتَقِدُهَا فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ علیهم السلام أَحْيَاءٌ، عِنْدَكَ يُرْزَقُونَ، يَرُونَ مَقَامِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي، وَأَنْكَ حَجَبْتَ عَنِّي سَمْعِي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِهِمْ» (كفعمی عاملی، ۱۴۰۵ق، ص ۴۷۳).

از جمله مواردی که بسیار زیاد در آموزه زیارت مورد توجه است، درخواست و دعاست که به شکل های مختلفی مطرح می شود؛ مانند:

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ...
اللَّهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۴۰).

خدایا! نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضایت، حریص به ذکر و دعایت قرار ده. ... خدایا! دعایم را مستجاب کن.

- أَلْتَمِسُ كَمَا أَلِ الْمُنْزِلَةَ عِنْدَ اللَّهِ... إِلَى طَلَبِ الْحَوَائِجِ عِنْدَهُ (همان، ج ۱، ص ۴۵)؛
کمال منزلت نزد خدا را درخواست می کنم. ... حوائج ما را از خدا بخواه.

تاکنون بیان شد که خداوند، محبت اهل بیت علیهم السلام را زمینه ای برای رشد و سعادت بشر قرار داده و به وسـله همین محبت است که انسان ها می توانند هرچه آسان تر با ایشان ارتباط برقرار کرده، علاوه بر بهره مندی از هدایت تکوینی ایشان، این چهارده نور پاک را الگو و اسوه زندگی سعادت مندانه خود قرار دهند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۸، ص ۱۳۵-۱۴۰ و ج ۱، ص ۳۷۷-۳۷۸؛ قاسمی، ۱۳۸۸، ص ۳۴-۴۰).

باید توجه داشت همواره زیارتنامه هدفی متعالی را برای انسان ترسیم می کنند که برای رسیدن به آن اهداف حتماً باید رابطه افراد با معصومان علیهم السلام تقویت شود. زیارت جامعه کبیره، این حقیقت را این گونه بیان می کند:

بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَضْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُؤَالَاتِكُمْ تَمَّتِ
الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النُّعْمَةُ وَ اتَّخَفَتِ الْفُرْقَةُ.

خدا در پرتو دوستی شما، دستورهای دینمان را به ما آموخت... و به موالات شما،

دین کامل شد و نعمت، عظمت یافت و جدایی به گردهمایی رسید.

با شناختی که از مضامین زیارات حاصل شد، این مسئله به طور روشن رخ می‌نماید که خیرات و برکات جهان، همه از جانب پروردگار عالم است و مخلوقات نسبت به پروردگار عالم سراپا نیاز هستند. کمال‌خواهی در تمامی انسان‌ها وجود دارد؛ به گونه‌ای که فرد با فراهم شدن خواسته‌اش راضی نمی‌شود و در پی رسیدن به کمال بالاتری حرکت خود را ادامه می‌دهد و نیاز جدیدتری را دنبال می‌کند. در واقع خداوند با قرار دادن میل کمال‌خواهی در انسان، خواهان هموار کردن حرکت او در مسیر رشد و سعادت بوده و با ارسال اولیای خود مسیر ترقی را مشخص کرده است؛ اما برخی انسان‌ها با استفاده از میل کمال‌خواهی، در مسیر هلاکت گام می‌گذارند.

وقتی زائر در مشهد ولیّ عصومش حاضر می‌شود با درخواست‌های مختلفی که خود اولیای دین به زائران آموختند، در پیشگاه ولیّ خدا عرض نیاز می‌کند تا بدین وسیله در مرحله اول به نیازمندی‌های خود پی برد و بداند که در مسیر کمالات انسانی تا چه اندازه قابلیت رشد برایش فراهم است. در مرحله بعد، انگیزه‌ای در وجود زائر پدید می‌آورد تا به سمت برطرف کردن نیازهای وجود خود حرکت کند. در مرحله سوم زیارت می‌آموزد که اهل بیت علیهم‌السلام به نحو اکتسابی و اختیاری توانسته‌اند تمام نیازهای وجودی خود را برطرف کنند و به صورت یک الگو در مقابل چشم زائر قرار دارند. در نهایت زائر با توجه به انگیزه و شناخت پدیدآمده، از خداوند توفیق وصول به این کمالات را درخواست می‌کند و قدم در مسیر آن می‌گذارد. باید توجه داشت زیارتنامه‌ها پس از معرفی و انگیزه‌سازی و الگودهی به زائر، مسیر نیل به هدف را نیز برای انسان‌ها ترسیم می‌کنند که در واقع همان اطاعت از پروردگار عالم و امر و نهی اوست.

بنابراین دین اسلام در اولین مرحله، مخاطبان خود را با واقعیت روبه‌رو می‌کند و سپس سراغ رسانیدن افراد جامعه انسانی به کمالات و سعادت بر اساس واقعیت می‌رود. دین علاوه بر بیان واقعیت در سطح قابل درک بشر، به‌درستی محدوده‌ای را بیان می‌دارد که امکان شناختش برای بشر فراهم نیست تا از این رهگذر، بشر را با محدودیت‌های خود بیشتر آشنا کند. به‌روشنی در زیارات بیان شده است که امکان کسب شناخت کامل در مورد اولیای خدا فراهم نیست. این مسئله، افراد را با واقعیتی روبه‌رو می‌کند که چه‌بسا تلاش‌ها و فعالیت‌های علمی بشر نتواند در همه عرصه‌ها تمام حقایق را برایش روشن کند.

۳. نقد الحاد عمل‌گرا با توجه به نکات بیان شده

الف) دین و موجود درجه دوم شدن

وقتی پروردگار عالم به له حقیقتی خلل یر پذیرفته می‌شود که تمام کمالات برتر در ذات و پیروی از فرامین اوست. اعتقاد داشتن و گوش سپردن به چنین موجود کامل مطلق دلیلی بر درجه دو یا از خود بیگانه بودن وجود انسانی نیست. از خود یگانگی یا درجه دوم بودن اگر به معنای مخلوق چنین خالق کامل مطلق باشد، ایراد و مشکلی ندارد؛ زیرا در واقع همه موجودات عالم، هستی‌شان را از او دریافت می‌کنند و بهتر است گفته شود این تقسیم‌بندی اشتباه است؛ چراکه بر اساس مبانی و آموزه‌های دینی - از جمله معارف زیارتی - با تقرب پیدا کردن به چنین موجودی، هویت، کمال و سعادت پیدا می‌کنیم. اسلام شدیداً با تقسیم انسان به درجه یک و دو بر اساس معیاری غیر از تقوا و پرهیزگاری مخالف است. ضمن اینکه بر اساس آموزه زیارت، تقسیم موجود به درجه اول و دوم معنا ندارد؛ زیرا خداوند انسان را مختار قرار داده است تا در مسیرهای مختلفی حرکت کند و در عین حال او را به ندگی تشویق کرده تا در آینده از ثمرات این بندگی بهره برد (آذربایجانی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷).

چنین باید گفت: عمل کردن به اوامر و نواهی الهی در واقع محدودیت مذموم محسوب نمی‌شود؛ چراکه روشن شد خداوند وجودی واقعی است که عمل به دستورهای او می‌تواند به صورت حقیقی، بشر را به کمال و سعادت برساند. ضمن اینکه اصول و قواعد کلی حاکم

بر رفتار دینی (اخلاق و احکام) همچون عدالت و عدم تجاوز به حقوق شخصی و اجتماعی دیگران و... مورد تأیید عقل و متخصصان نیز هست.

از سوی دیگر برای تحلیل محدودیت و عدم محدودیت در افعال انسانی، توجه به این نکته مهم است که محرومیت، یک امر درونی است و بر اساس آن ممکن است فردی کاری را انجام دهد یا ترک کند که مجبور به آنها نیست و از طرفی ممکن است فعلی را یک ناظر بیرونی محدودت تلقی کند؛ ولی آن فرد، افعال خود را محرومیت و محدودیت به حساب نیاورد و چه بسا اصلاً دنبال تغییر رفتار خود نباشد (همان، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷-۱۷۸).

باید یادآوری کرد فروید، که در صدد رایی انسان از اسارت عمل به دستورهای موجود متعالی است تا از این رهگذر مانع از خودبیبگانگی متدینان شود (see: Hume, 1957, chapter X)، خود او در این حالت در منصب یک امر و نهی کننده قرار داد که می خواهد دیگران برای بهروزی و کسب احوال خوب، از او تبعیت کنند. این در حالی است که باید گفت چرا وی به خود اجازه داده است بر منصب یک موجود درجه اول قرار گیرد و به دیگران امر و نهی کند. مسئله زمانی حادث می شود که فروید در پی این امر و نهی، دنبال به کرسی نشانیدن مدعی بدون دلیل خود مبنی بر نفی هرگونه متافیزیک است (ر.ک: همان، ۱۳۹۰، ص ۵۲-۵۳).

ب) دین، رهایی بخش از اختلالات روانی

اختلال های روانی، رفتارها یا فرایندهای ذهنی اند که با انواع مختلف ناراحتی یا عملکرد معیوب ارتباط دارند (نوید و راتوس، ۱۳۸۹، ص ۱۶۰). عمل نابهنجار، معیار تشخیص اختلالات روانی است؛ اما تعریفی واحد و روشن برایش ارائه نشده است (حقانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۳۰۱). متخصصان بهداشت روانی، علت ها و درمان های مختلفی برای سلامت روان مطرح کرده و ملاک ایی برای رفتار نابهنجار ارائه داده اند که آنها عبارت اند از: ناراحتی شخصی قابل ملاحظه (اضطراب، ترس و افسردگی)، ادراک یا تعبیر معیوب از واقعیت، غیر عادی بودن، رفتارهایی از روی افراط و تفریط که به لطمه زدن به خود یا دیگران منجر می شود (نوید و راتوس، ۱۳۸۹، ص ۱۶۱).

تحقیقات آماری و نمونه‌پردازی‌های زیادی در مورد نقش دین و زیارت در آرامش روانی ارائه شده است (ر.ک: قربانی و ناجمی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱-۱۵؛ دولت‌شاهی و پهلوانی، ۱۳۸۴، ص ۳۵۸-۳۶۸؛ حسینی و اصغری ابراهیم‌آباد و عبدخدایی، ۱۳۹۵، ص ۳-۱۱)؛ اما در این مقاله، تنها بر اساس ظرفیت‌های موجود در زیارت و نقش آن در پیشگیری از رفتار نابهنجار بر اساس ملاک‌های ارائه‌شده پرداخته می‌شود و تأثیر زیارت در درمان رفتارهای نابهنجار نشان داده خواهد شد.

خدا در زیارت‌نامه‌ها، پروردگار و خالق عالم معرفی شده است. او همان بخشنده و اعطاکننده به سائلان است و از طرفی معلوم شد که عشق و علاقه نشان دادن به اولیای الهی سبب جلب توجه و محبت او می‌شود. وقتی فرد به این باور برسد که از پشتیبانی بهترین، کامل‌ترین و بخشنده‌ترین موجود برخوردار است، دیگر امکان ندارد ناراحتی، ترس و افسردگی برایش به وجود یاید و از آینده، هراسی در دل خود راه دهد. این به نحوی است که در زیارت‌نامه خطاب به معصوم عرض می‌شود:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ ذُلِّي بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَضَرَّعِي إِلَيْكَ وَوَحْشَتِي
مِنَ النَّاسِ وَأُنْسِي بِكَ يَا كَرِيمُ تَصَدَّقْ عَلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِرَحْمَةٍ مِنْ عِنْدِكَ تَهْدِي
بِهَا قَلْبِي وَتَجْمَعُ بِهَا أَمْرِي وَتَلُمُّ بِهَا شَعْنِي... وَتَحَطُّ بِهَا عَنِّي وَزُرِّي وَتَغْفِرُ بِهَا مَا
مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَتَعْصِمُنِي بِهَا فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۹، ص ۲۲).

زائر با باوری که درباره ائمه علیهم‌السلام دارد، می‌داند ایشان به اذن پروردگار، از هدایت تکوینی برخوردارند و امکان هدایت او را به بهترین شکل دارند. از این رو به آرامش می‌رسد و جای نگرانی برایش باقی نخواهد ماند. از طرفی نسبت به آینده امیدوار می‌شود؛ زیرا بر اساس زیارت جامعه کبیره می‌داند ائمه علیهم‌السلام پناهگاه مردم‌اند. مرحوم صدوق درباره معنای «كَهْفِ الْوَرَى» در زیارت جامعه کبیره گفته است: «ملجأ الخلائق في الدين والدنيا والآخرة» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰) و چه پناهگاهی امن‌تر از ایشان که مظهر صفت رحمت الهی‌اند. بنابراین بسیار آسان با نیازمندان و پناهجویان برخورد می‌کنند. در این صورت زائر،

ترسی از آینده نامعلوم خود ندارد و گرفتار افسردگی نمی‌شود.

زائر در زیارت امین‌الله به قضا و قدر الهی با این عبارات اعتراف می‌کند: «اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ» (حریری، ۱۳۸۸، ص ۶۵-۸۱)؛ «خدایا! نفسم را آرام در برابر تقدیرت، خشنود به قضایت قرار ده». وی می‌داند برخی سختی‌ها و کاستی‌های زندگی، طبیعی بوده یا برای رشد و آزمایش او ایجاد شده است؛ چراکه به‌روشنی در متون زیارتی می‌بیند، رشدی که برای اولیای دین حاصل شده، بخش قابل توجهی از آن مربوط به سختی‌هایی است که در زندگی دنیایی برای رسیدن به رضا و قرب الهی کشیده‌اند؛ چنان‌که عبارات زیر بر این دلالت دارند:

- بَدَلٌ مُهَجَّتُهُ فِيكَ لَيْسَتْ تَقْدَرُ عِبَادَكَ مِنَ الضَّلَالَةِ (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ج ۱، ص ۲۲۸)؛

- صَلَّى عَلَى الْبُتُولِ الطَّاهِرَةِ الصِّدِّيقَةِ الْمُعْصُومَةِ ... الْمَظْلُومَةِ الْمُقْهُورَةِ، الْمُغْصُوبَةِ حَقُّهَا، الْمَمْنُوعَةِ إِزْثُهَا، الْمَكْسُورَةَ ضَلْعُهَا، الْمَظْلُومَ بَعْلُهَا، الْمَقْتُولَ وَلَدُهَا (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۵۷۳).

توجه به این نکته لازم است که اولیای الهی با وجود این سختی‌ها به نحوی به دستورهای الهی - که نظم‌بخش زندگی انسانی هستند - عمل کرد که مرتکب هیچ‌گونه افراط و تفریط نشده‌اند. بدین‌جا از ظرفیت زیارت و تعالیم زیارت به زلزله‌عامل پیش‌گیری از رفتارهای نابهنجار سخن به میان آمد؛ ولی فواید زیارت در زمینه کنترل رفتار، تنها در بُعد آگاهی‌بخشی منحصر نمی‌شود؛ بلکه می‌توان زیارت را یک اتاق مشاوره باکیفیت در نظر گرفت.

در یک جلسه مشاوره روان‌درمانی موفق، باید شرایط سه‌گانه همدلی، صداقت و محبت برقرار باشد؛ چنان‌که در مورد زیارت چنین است. زائر می‌داند نزد کسی آمده که با او همدل است و اسرارش پیش او باقی می‌ماند و نیز مطمئن است که امامان معصوم علیهم‌السلام توانایی حل مشکلاتش را دارند. از این‌رو به راحتی سخنان خود را با مخاطبش در میان می‌گذارد و هرچه او را آزار می‌دهد، در مشهد اولیای الهی بیان می‌کند. مسئله سبب می‌شود آرامش خاصی برای زائر فراهم شود؛ زیرا طبق نظر روان‌شناسان، با تکرار مسائل رنج‌آور در محیطی که به شخص و گفته‌هایش توجه می‌کنند، از بار تهدیدآمیز مشکل کاسته می‌شود.

در واقع با به جا آوردن زیارت، پالایش یه لیه هیجانی برای فرد رخ می‌دهد و او به برون‌ریزی هیجانات فرونشاندنش می‌پردازد که این لازمه ایجاد سلامت روانی در دیدگاه روان‌تحلیل‌گری است (علوی و کاظمی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۵۵). باید توجه داشت آرامش حاصل‌شده از زیارت برای فرد، بر اساس رابطه واقعی با وجود مقدس معصومان است؛ چراکه روح ائمه طاهرین علیهم‌السلام پس از رحلت ایشان باقی می‌ماند. روح، که همان هویت واقعی انسان را تشکیل می‌دهد، با زائران ارتباط برقرار می‌کند و بر اساس ویت تکوینی می‌تواند به بندگان خدا رسیدگی کند.

در پایان باید به نکته توجه شود که حقیقت زیارت بسیار بزرگ‌تر از آرامش‌بخشی در روان است و از یک وایت متعالی پرده برمی‌دارد که وقتی فرد به ارتباط دویه نائل شد و خود را از این بحر حقیقت سیراب کرد، مسائلی همچون آرامش و سلامت روانی برای او نیز به منزله ثمره این اتصال متعالی حاصل خواهد شد. افزون بر موارد ذکر شده، زیارت به شکل‌های دیگری نیز از جمله عزت نفس، امیدواری در زندگی و... (صالحی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۸۱۵-۸۳۲؛ اسدیان و راثی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۲۳-۷۵۰؛ حسینی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۳-۱۶۲؛ تقریبی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۷۷۱-۷۹۲) به کمک سلامت روان می‌آید.

ج) دین و خشونت

برای تشخیص خشونت‌زا بودن یا نبودن دین، بهتر است خود را جای فردی قرار دهیم که می‌خواهد تنها از طریق زیارت به صورت یک فعل عمومی در بین دینداران به بررسی وجود خشونت در دین بپردازد. برای اینکه بتوان روابط انسانی مطلوب و مورد تأیید آموزه زیارت را در جامعه کشف کرد، می‌توان چهار نوع رابطه برای آن در نظر گرفت: رابطه متدین با سایر دینداران، را دین با خطاکاران و گناه‌کاران، رابطه دینداران با انسان‌هایی که در مسلک و دین ایشان نیستند و رابطه متدینان با افرادی که مانع رسیدن دیگران به کمال حقیقی می‌شوند. زیارت به شدت بر احترام متقابل دینداران به یکدیگر سفارش و تأکید کرده است. اساساً فلسفه زیارت، همین رفتار و احترام متقابل دینداران حقیقی به یکدیگر است؛ تا جایی که

متون بسیاری از زیارتنامه‌های مأثور، از سوی خود معصومان و به دست بهترین افراد و راویان در اختیار دیگران قرار گرفته و ناگفته معلوم است که دوستی و محبت با دوستان خدا باعث جلب توجه خداوند و تقرب به ایشان می‌شود.

در توضیح رابطه دینداران با گناهکاران نیز باید گفت همان رابطه‌ای که متدینان با یکدیگر دار باید با خطاکاران نیز داشته باشند؛ علاوه بر اینکه برای رهایی و طهارت ایشان از گناه و اشتباه، باید طلب رحمت و مغفرت کرد:

آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ فِي مَوَالِيهِمْ فَضْلاً وَ إِحْسَاناً وَ رَحْمَةً وَ عُفْراً إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ
(مجلسی، ۱۴۲۳ق، ج ۹۷، ص ۲۶۲).

از پیشگاهت به خاطر دوستی ایشان به ما افزونی و احسان و رحمت و آمرزش عطا کن. تو دارای لطف و محبت بسیار بزرگی.

برای توضیح چگونگی ارتباط با گناهکاران شاید بهتر است گفته شود آموزه زیارت به زائر می‌آموزد که هر انسانی در محضر ولی خدا باید طلب مغفرت و رحمت کند؛ زیرا هیچ انسانی از خطا و اشتباه دور نیست و ممکن است در شناخت و پیروی از خدا دچار غفلت و سستی شده باشد. پس علاوه بر اینکه برای خود طلب مغفرت می‌کند، برای دیگر گناهکاران نیز آمرزش می‌طلبد. خطای در رفتار یک فرد نمی‌تواند دلیلی برای برخورد نامناسب با او باشد؛ چون ممکن است استغفار گناهکار در حق خودش یا استغفار دیگری در حق او، مورد پذیرش پروردگار عالم واقع شود. بنابراین محبت بین مؤمنان با یکدیگر و حتی با خطاکاران در آموزه زیارت، مطلوبیت دارد.

رابطه دینداران با افراد متدین نیز به‌روشنی در مناسک زیارت ترسیم شده است. زیارتنامه‌ها، از اولیای خدا به‌منزله معدن تمامی خیرات و خوبی‌هایی یاد می‌ند که به سمت مخلوقات سرازیر است. این مسئله به‌روشنی دلالت دارد که باید با همه مخلوقات الهی برخوردی کریمانه و شایسته انجام شود؛ هر چند افراد غیر متدین به دین حق، از نعمت‌های مخصوص دینداران محروم‌اند.

لازم است در ادامه به مناسکی اشاره شود که تنها از دین و آموزه‌های دینی برآمده و

نوع دوستی و محبت نسبت به هموعان را که مورد تأکید دین است، در بالاترین درجه به نمایش می‌گذارد. از مناسکی که می‌تواند در عالی‌ترین سطح و حتی به شکلی بی‌مانند رفتار مسالمت‌آمیز دینی را در مقابل چشم بشر قرار دهد، زیارت اربعین امام حسین علیه السلام است. این زیارت نه تنها در حد خودش بی‌نظیر است، بلکه به روشنی می‌توان ادعا کرد این مقدار از نوع دوستی و محبت را در هیچ مورد و نمونه دیگری نمی‌توان یافت. مردم در زیارت اربعین، از سراسر جهان برای بزرگداشت و زیارت امام سوم شیعیان در کشور عراق جمع می‌شوند و به صورت جمعیتی میلیونی به سمت کربلا حرکت می‌کنند و در تمام مراحل این سفر از بدو ورود به کشور عراق، تمام هزینه اسکان و اقامت ایشان - اعم از مسائل خوراکی، بهداشتی و محل خواب - بر عهده افرادی است که از پیش عهده‌دار پذیرایی از زائران امام حسین علیه السلام شده‌اند. تمام این خدمات با فروتنی، تواضع و بی‌متنی، تنها به قصد قربت انجام می‌شود. هنگام ارائه خدمات، فرقی بین زائران شیعه و غیر شیعه نیست. این مهر، عطوفت و هموع دوستی همان چیزی است که دین در همه مراحل زندگی از متدینان می‌خواهد و البته زیارت اربعین تجلی‌دهنده این خواست و مرام دین اسلام است.

در زیارتنامه‌ها از افرادی براءت جسته می‌شود که او یای خدا را مسخره می‌کنند و به صورت عملی وارد میدان دشمنی با ایشان می‌شوند. بنابراین منابع زیارتی تنها با گروه خاصی اعلام دشمنی می‌کنند. در توضیح این نکته باید گفت دشمنی با چنین افرادی تنها به سبب مسیری است که ایشان برگزیدند. دشمنی، تنها با افرادی جریان پیدا می‌کند که خود اعلام دشمنی می‌کنند و به اقدام عملی روی می‌آورند. البته این مسئله فقط مربوط به دین و افراد متدین نیست؛ بلکه هر گروه و قومی به نحوی خودش را در برابر دشمنی‌ها محفوظ می‌دارد و اسلام هم از این مسئله مستثنا نیست.

در نهایت باید گفت دین اسلام نه به تروج خشونت اقدام می‌کند و نه اجازه می‌دهد که ظالمان از هدایت انسان‌ها ممانعت کنند. در واقع دین نه ستمکار و نه ظلم‌پذیر است و هر دوی این مؤلفه‌ها از شاخصه‌های سلامت روان است. با توضیح معلوم می‌شود که در

واقع دین نه تنها ستمکاری را رواج نمی دهد، بلکه همواره الگوهای ر یافته ای را در مقابل دینداران قرار می دهد که در قله کمال انسانی قرار دارند تا دینداران بر همین اساس رفتار کنند و به سمت ستم به دیگری نروند. در عین حال دین اجازه نمی دهد که ظلم پذیری رواج یابد. بنابراین دینداران نه اهل ظلم کردن هستند و نه ظلم دیگری را می پذیرند.

(د) دین و شناخت حقایق عالم

دین، که همواره دنبال تربیت انسان هایی برخوردار از سلامت روانی و معنوی است، در این مسیر می کوشد تا در مرحله اول، شناخت انسان را نسبت به خویشتن، جایگاه خود و رابطه وی با جهان به خوبی تبیین، و از این رهگذر توانایی ها و ملیت های وی را معرفی کند. نه تنها دین و به طور خاص زیارت به معرفی خدا و اولیایش می پردازد، بلکه متدینان را به نین شناختی دعوت می کند و در ادامه برای مواجهه دقیق با واقعیت، نسبت به مخاطرات این مسد هشدار می دهد. زیارت جامعه کبیره به روشنی بیان می کند که امکان شناخت دقیق و کامل ائمه علیهم السلام وجود ندارد. بر این اساس می توان گفت شناخت کامل خدا نیز غیر ممکن است و هر فردی ها به میزان ظرفیت خود می تواند از شناخت ایشان بهره مند شود. این مسئله در ادیان، واتی در کنار دیگر واقعیت ها تلقی می شود؛ یعنی با اینکه نیاز است انسان تلاشی بی پایان برای شناخت خدا و اولیای او انجام دهد، اما امکان رسیدن به معرفت کامل به ایشان را ندارد و این هیچ گاه به معنای آن نیست که دنبال شناخت نرود و در این مسیر، تلاش و حرکتی انجام ندهد؛ بلکه تنها بر اکتفا تأکید می شود که این تلاش ها برای رسیدن به تمام یقت، کم است و تلاش لازم برای پرده برداری از تمام حقایق برای انسان ممکن نیست. علت این مسئله، محدودیت در وجود انسان و ابزار شناخت اوست.

در توضیح اینکه تلاش برای شـ هر چه بیشتر او یای خدا بی فایده نیست، باید گفت همان نه که شناخت و آگاهی پیدا کردن درباره بخشی از طبیعت به معنای جهل به تمام آن نیست، بلکه هر قدر در این مسیر تلاش صورت گیرد، بهره مندی از ثمرات آن بیشتر می شود، در مورد شناخت خدا و اولیای او نیز چنین است که هر قدر شناخت و آگاهی به ایشان کم باشد، به

معنای ناآگاهی و عدم علم نیست. بنابراین مناسک زیارت، توانمندی انسان را در کسب شناخت از ایق عالم به او یادآوری می‌کند و به درستی محدودیت‌هایش را نیز یادآور می‌شود تا به شکل صحیحی با او ایق مواجه شود و در نهایت به بهداشت روانی او کمک کند.

ه) دین و استقلال اخلاقی

انسان، موجودی عین فقر و وابستگی به خداوند متعال است؛ بی در تمام شئون زندگی خود به توجه و افاضه وجود از طرف پروردگار عالم نیاز دارد. در واقع وجود خود را از خداوند دریافت کرده و از طرفی معلوم است خداوند عالم به منزله موجود متعالی به تمام افعال و نتایج افعال خود آگاهی دارد و از پیش می‌داند که انسان‌ها از روی اختیار چه رفتاری را انجام خواهند داد (ر.ک: عبودیت و مصباح، ۱۳۹۸، ص ۲۱۲-۲۱۵). همچنین بیان شد که خداوند ذاتی بی‌نیاز و کمال مطلق است (عبودیت و مصباح، ۱۳۹۸، ص ۱۷۸-۱۷۹) و لازمه کمال مطلق بودن، داشتن هدف در افعال است. خداوند انسان را برای رسیدن به اهدافی خلق کرده که همان رساندن انسان‌ها به کمالات است و کمال‌خواهی را به منزله یک گرایش در سرشت انسان قرار داده تا او را در نیل به این هدف یاری کند. وصول به کمال، یک هدف واقعی محسوب می‌شود و رابطه تکوینی و حقیقی بین فعل انسان و نتایج آن فعل، که توضیح آن گذشت، نشان می‌دهد که باید مسیری مشخص را طی کرد و ا مالی معین را انجام داد تا به سعادت و کمال رسید. پس نمی‌توان قبول کرد که هر فردی هر آنچه را بخواهد، عمل کند و در عین حال به کمالات مطلوب انسانی برسد.

اخلاق‌مداری یا همان کمال‌خواهی یک شاخصه انسان مطلوب است که همواره دین بر آن تأکید می‌کند. زیارت، اولیای خدا را به منزله افرادی معرفی می‌کند که از شاخصه‌های زندگی مطلوب و اخلاقی برخوردارند؛ به نحوی که می‌توانند الگوی بشر باشند. به این ترتیب زیارت نشان می‌دهد که در اخلاق باید کاملاً واقع‌گرا بود، نه نسبی‌گرا؛ به نحوی که هر چه فرد پسندید، آن را انجام دهد. بنابراین نمی‌توان پذیرفت که دین مانع آزادی اخلاقی است؛ بلکه با ترسیم مسیر اخلاق روشن به انسان کمک می‌کند که بداند در چه مسیری حرکت می‌کند و نتیجه حرکت به کجا ختم می‌شود. دین بر اساس واقعیت‌های عینی که امکان چشم‌پوشی از آن

نیست و عقل هم آن را می‌پذیرد (مثل اینکه جهان، خالقش دارد، این خالق، الگوهای برای مردم تعیین کرده است و سعادت حقیقی را در گرو کمال یافتن و رشد یافتن طبق حرکت در مسیر الگوهای اخلاقی می‌داند)؛ راه اصیل زیست اخلاقی را می‌آموزد و مانع از این می‌شود که هرکس بخواهد برای خود فعلی را اخلاقی بداند و دیگران را به رفتار غیر اخلاقی متهم کند.

(و) دین و هزینه بی‌وجه

فردی که به درستی نتواند درآمدهای مالی‌اش را هزینه کند، نابهنجار محسوب می‌شود. ممکن است عده‌ای گمان کنند صرف هزینه در مسائلی همچون دین با وجود افراد نیازمند، بی‌وجه است و انسان را از پیر حرکت بر اساس هنجارهای انسانی دور می‌کند؛ اما باید توجه کرد در مقابل هزینه‌ای که برای دین و به طور خاص زیارت می‌شود، چه فایده‌ای به دست می‌آید تا بتوان درباره مفید بودن آن نبودن این هزینه‌ها اظهار نظر کرد. دین و پیروی از دستوره‌های الهی، مسئله حقیقی و بسیار ظریفی است که کم‌توجهی به آن، انسان را از سعادت دنیوی و اخروی محروم می‌سازد. وقتی مسئله ابدیت انسان مطرح شود، در نمی‌توان آن را با مسائلی دنیوی و محدود مقایسه کرد. بنابراین اگر فردی متوجه این نکته باشد که با پرداخت هزینه‌ای می‌تواند از سعادت حقیقی بهره‌مند شود، باید آن را حتماً انجام دهد. به این مسئله باید افزود که هزینه در امر دین تنها مربوط به مسائل اخروی نیست و حتی اثرات فراوانی بر سعادت دنیوی انسان‌ها می‌گذارد.

با توضیحاتی که در این مقاله داده شد، روشن می‌شود دین، سلامت روانی افراد جامعه را تأمین می‌کند. سلامت روان افراد جامعه، موضوعی است که همواره بودجه قابل توجهی برای دولت‌ها به بار آورده است؛ از فراهم کردن زمینه آموزش روان‌شناسان تا هزینه‌های مالی که در مطب‌های روان‌ناسی و هزینه‌هایی که دولت‌ها برای شادی و نشاط مردم خود صرف می‌کنند و برنامه‌هایی که طراحی می‌شود تا کشورها به سمت جامعه سالم حرکت کنند و پس از مدتی متوجه اشتباهاتی می‌شوند که در این مسیر انجام داده‌اند و در صدد جبران آن برمی‌آیند و دوباره هزینه‌های فراوانی برای برنامه جدیدی صرف می‌شود که تبعات منفی کمتری داشته

باشد و چه بسا همان برنامه جدید هم مقبول واقع نشود.

این در حالی است که دین با شناخت خوب و دقیق از سرشت انسانی، راهکارهایی کامل، شایسته‌تر و به دور از افراط و تفریط ارائه می‌کند که علاوه بر سعادت اخروی، زندگی دنیایی انسان‌ها را سامان می‌بخشد. همچنین باید توجه داشت که آموزه زیارت و دین، خود بیش از دیگران به فکر نیازمندان و فقیران است؛ به نحوی که همواره متون زیارتنامه‌ها انسان را به سوی کمک به نیازمندان ترغیب می‌کند و کمک به آنها و رفع نیاز ایشان یک عمل عبادی بین دینداران محسوب می‌شود و معصومان علیهم‌السلام، به منزله الگوی دینداران، همواره به صفت کرم و بخشش معرفی می‌شوند: «فَعَلُّكُمُ الْخَيْرِ وَعَادَتُكُمُ الْإِحْسَانَ وَسَجِّتْكُمْ الْكِرْمَ»؛ «کارتان خیر، روشن‌ان احسان، و اخلاق و خویتان بزرگواری است».

ز) آیا دین باعث جهالت انسان‌ها می‌شود؟

توضیحاتی در مورد نحوه معرفت‌بخشی زیارت نسبت به مسائل اساسی و ضروری زندگی انسان بیان شد. دین، خود را عهده‌دار بیان مهم‌ترین مسائل زندگی بشر می‌داند؛ زیرا جهل و غفلت به آن، انسان را دچار بزرگ‌ترین خسارت‌ها می‌کند؛ اما در مورد دیگر علوم، دین بر کسب آن تأکید دارد و باید توجه داشت که علم‌آموزی به کشف فعل الهی می‌انجامد و توجه به عظمت آفرینش، سبب تقرب و خشوع در برابر پروردگار عالم می‌شود.

در مورد سخنان کنت و هریس باید گفت موجودی که کنت و هریس ترسیم می‌کنند، بسیار متفاوت با خدای ادیان توحیدی است؛ اینکه گروهی برای فرار از آفات طبیعی دنیا به موجودی خودساخته پناه می‌برند، این پیامد را به صورت طبیعی در پی دارد که پس از کشف راه فرار جایگزین، دیگر به او نیازی ندارند و کنارش می‌گذارند؛ اما خدای ادیان، وجودش با دلایل عقلی اثبات شده و نیازمندی مخلوقات به او یک مسئله واقعی و حقیقی است و او دیگر فنا ندارد. نمی‌توان خدای ادیان را با تصویری خودساخته از خدا یکی دانست که افراد ناآشنا با مفهوم خدا در ذهن خود ترسیم کرده‌اند؛ همان‌گونه که نمی‌توان شخصیت‌های کارتونی امروزی را، که تنها نجات‌دهنده بشر معرفی می‌شوند، خدا قلمداد کرد؛ چراکه همگی ساخته

و پرداخته دست بشرند و به همین سادگی که ساخته شده‌اند، از بین می‌روند.

ح) دین، معنابخش اصیل به زندگی

خداوند دین را به و یله پیامبران خود برای بشر فرستاد تا انسان از طریق پیروی و تبعیت از او بتواند به رشد و کمال برسد. مراد از کمال، همان‌گونه که گذشت، تقرب به پروردگار عالم است. از طرفی بیان شد که رابطه بین افعال و نتیجه آن کاملاً تکوینی و حقیقی است. پس برای رسیدن به مقصود باید رفتار متناسب با آن را انتخاب کرد. بر اساس صفت کمال مطلق الهی، معلوم است که دین بهترین راه را برای رسیدن به مقصود، در اختیار انسان‌ها قرار داده است؛ زیرا بُخلی در وجود او برای معرفی راه سعادت وجود ندارد.

بر پایه این حقایق باید گفته شود تنها دینداران هدف صحیحی برای زندگی خود برگزیدند و می‌توانند در بهترین راه برای رسیدن به این هدف حرکت کنند و همان‌گونه که گذشت، نمی‌توان گفت هر رفتاری را که فرد بپسندد، می‌تواند خوب باشد؛ چراکه رفتارهای متفاوت و متناقض نمی‌توانند یک نتیجه را حاصل کنند و انسان را به سعادت - که همان هدف اصیل انسانی است - برسانند.

آموزه زیارت به‌خوبی کمالات انسان‌هایی را که در سایه دین پرورش یافته‌اند، برای مزور بیان می‌کند که بیش‌ترین و روشن‌ترین آن را می‌شود در زیارت جامعه کبیره مشاهده کرد. زیارت جامعه کبیره با برشمردن بهترین خصلت‌ها برای امام معصوم علیه السلام نشان می‌دهد که ایشان از محاسن اخلاقی فراوانی برخوردارند و بر این اساس می‌توانند بهترین الگو برای بشر به شمار آیند. اشکالاتی که برخی در معنابخشی ادیان به زندگی مطرح کرده‌اند، بر اساس یک قرائت صحیح از دین مطرح نشده و الگوی مناسب و راه رسیدن به آن برای مخاطبان تبیین نگشته است.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، ادله ملحدان عمل‌گرا در ناکارآمد و مضر معرفی کردن دین تبیین شد که اموری چون به وجود آمدن موجود درجه یک و دو، ایجاد عقده‌های درونی و روانی، خطرناک

و عامل خشونت بودن دین، زمینه‌سازی برای عدم شناخت برخی واقعیات، از بین رفتن استقلال اخلاقی انسان‌ها، ایجاد هزینه‌های مالی بی‌وجه، فرو رفتن در جهالت و نهایتاً عدم شأنیت دین برای معنابخشی و الگودهی به زندگی انسانی، از جمله پندارهای باطل آنهاست که سعی کرده‌اند در کنار ادله علمی و فلسفی برای انکار وجود دین و خدا باوری به کار ببرند. این نوشتار با بهره‌گیری از انسان‌شناسی صحیح و مبتنی بر عقل و توجه به مضامین، معارف و مناسک زیارتی، به نقد ادله مذکور پرداخت و در این مسیر از مؤلفه‌های سلامت و بهداشت روان نیز کمک گرفت.

معارف و مضامین موجود در زیارت، کمال مطلق الهی و عین ربط بودن مخلوقات به خالق را - که حکم عقل است - تأیید کرده، آگاهی انسان را درباره صفات خداوند افزایش می‌دهند و هدف انسان‌ها را از خلقت ترسیم می‌کنند که همان قرب الهی و کسب بیشترین کمالات اخلاقی است. همچنین مطابق با محتوای زیارات معلوم می‌شود که رشدیافته‌ترین و برترین افراد، معصومان علیهم‌السلامند که شایستگی الگو و هدف قرار گرفتن برای بشریت را دارند. بر این اساس جایگاه انسان در خلقت مشخص می‌شود و خداوند و اولیای او به منزله بهترین تکیه‌گاه انسان می‌توانند هرگونه غم و اضطرابی را از بین ببرند و بهترین هدف و مسیر اخلاقی را مشخص کنند.

با استفاده از زیارت، به‌منزله یکی از آموزه‌های مطرح‌شده در دین، نشان داده شد که دعاوی ملحدان صحیح نیست؛ چراکه دین نگاهی معقول و واقعی به انسان و ظرفیت‌هایش دارد و آگاهی‌های فراوانی که غالباً عقل‌پذیرند، به انسان می‌دهد و وی را از بسیاری جهالت‌ها نسبت به عالم و انسان و حیات پس از مرگ و... می‌رهاند. دین اسلام با معرفی کمال واقعی و مسیر منتهی به آن، بر اساس ظرفیت‌ها و استعدادهای نهاده‌شده در انسان، هدف معقولی برای زیست انسانی ترسیم می‌کند و برای همیشه پوچ‌گرایی و نیهیلیسم را کنار می‌زند و حتی الگوهای عملی نیز ارائه می‌دهد؛ به نحوی که هزینه کردن در این مسیر، امری کاملاً معقول شمرده می‌شود و جلوه آن در فرهنگ و شعائر غنی زیارتی همچون اربعین و حج قابل مشاهده است.

منابع

قرآن کریم

۱. آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۰). درآمدی بر روان‌شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
۲. آرون، ریمون (۱۳۸۱). سیر مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ پنجم.
۳. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق). معجم مقاییس اللغة، بیروت، دارالفکر.
۴. ابن قولویه، جعفر بن محمد (۱۳۵۶). کامل الزیارات، نجف اشرف، دارالمرتضی.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۶. اسدیان، داود و راثی، مهدی (۱۳۸۷). «نقش زیارت در بهداشت روانی و تعالی روح»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، ج ۲، ص ۷۲۳-۷۵۰.
۷. تحریری، محمود (۱۳۸۸). زیارت امین‌الله، تحقیق و تدوین: محمدباقر تحریری، بی‌جا، انتشارات حر.
۸. تقریبی، زهرا (۱۳۸۷). «زیارت راهکاری جهت ارتقای سلامت و روان»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، ج ۲، ص ۷۷۱-۷۹۲.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). ادب فنای مقربان، قم، اسرا، چاپ سوم.
۱۰. حسینی و اصغری ابراهیم‌آباد و عبدخدایی (۱۳۹۵). «بررسی زیارت امام رضا (علیه السلام) با احساس شادکامی و رضایت از زندگی»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۲، ش ۲، ص ۳-۱۱.
۱۱. حسینی، داود (۱۳۹۵). «نقش زیارت در بهداشت روان»، فرهنگ زیارت، ش ۲۷، ص ۱۴۳-۱۶۲.
۱۲. حقانی، ابوالحسن (۱۳۸۹). روان‌شناسی کاربردی، ج ۱، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. دولتشاهی و پهلوانی (۱۳۸۴). «بررسی نقش زیارت دینی در سلامت روانی افراد»، نقد و نظر، ش ۳۸، ص ۳۵۸-۳۶۸.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۰۴ق). المفردات فی غریب القرآن، بی‌جا، دفتر نشر الکتاب.
۱۵. سالاری فر، محمدرضا و دیگران (۱۳۹۰). بهداشت روانی با نگرش به منابع اسلامی، قم، پژوهشگاه

حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.

۱۶. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). من لا یحضره الفقیه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
۱۷. صالحی، غلامرضا (۱۳۸۷). «نقش زیارت در تحول رفتار و شخصیت»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، ج ۲، ص ۸۱۵-۸۳۲.
۱۸. صدر حاج سیدجواد، احمد و خرمشاهی، بهاء‌الدین و فانی، کامران (۱۳۸۰). دائرة المعارف تشیع، تهران، نشر شهید سعید محبی.
۱۹. طالبی چاری، محمدجواد (۱۳۹۲). «امکان فقری، جامع‌ترین در آیه ۱۵ از سوره فاطر»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۴، ش ۱۴، ص ۱۳۱-۱۵۱.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، اسماعیلیان.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق). مصباح المتعبد و سلاح المتعبد، بیروت، مؤسسه فقه الشیعه، چاپ اول.
۲۲. عادل، حداد (۱۳۹۵). دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.
۲۳. عبودیت، عبدالرسول و مصباح، مجتبی (۱۳۹۸). خدانشناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۴. علوی، سید کامران و کاظمی، هما (۱۳۸۷). «نقش زیارات و دعا در بهداشت روانی و تعالی روح»، مجموعه مقالات هم‌اندیشی زیارت، ج ۲، ص ۷۵۰-۷۷۰.
۲۵. فقهی، احمد و عسگری، ابوالفضل (۱۳۹۳). تأثیر زیارت مشاهد شریفه بر رشد اخلاقی و معرفت اخلاقی، پایپی ۱۶، پاییز، ۵-۲۶.
۲۶. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (بی تا). القاموس المحیط، بی جا، بی نا.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد (بی تا). المصباح المنیر فی غریب، قم، دارالهجره.
۲۸. قاسمی، سلیمان (۱۳۸۸). بهداشت و سلامت روان با نگرش به آموزه‌های دینی و سیره معصومان علیهم‌السلام، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

۲۹. قربانی و ناجمی و دیگران (۱۳۹۸). «فرایند اثرگذاری ذکرهای مذهبی بر کاهش استرس»، تعالی بالینی، دوره ۹، ش ۱، ص ۱-۱۵.
۳۰. کریمیان، حسین و شفیعی مازندرانی، سیدمحمد (۱۳۹۳). بهداشت روانی در اسلام، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی.
۳۱. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق). المصباح جنة الأمان الواقية و جنة الإيمان الباقية، قم، دارالرضی (زاهدی)، چاپ دوم.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار، تحقیق: ابراهیم میانجی و محمدباقر بهبودی، بیروت، دارالاحیاء التراث، چاپ سوم.
۳۳. _____ (۱۴۲۳ق). زاد المعاد، تحقیق علاءالدین اعلمی، بیروت، مؤسسة العلمی للمطبوعات.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). آموزش عقاید، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ هفدهم.
۳۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم.
۳۶. _____ (۱۳۸۹). مجموعه آثار، ج ۵، تهران، صدرا، چاپ چهاردهم.
۳۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سی و دوم.
۳۸. نوید، جفری و راتوس، اسپنسر، (۱۳۸۹). بهداشت روانی، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، نشر ارسباران، چاپ دوم.
۳۹. هات، جان. اف (۱۳۹۹). خدا و الحاد جدید، ترجمه علی شهبازی، قم، دانشگاه مفید.
۴۰. یوسفیان، حسن (۱۳۹۰). کلام جدید، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
41. Berger, Peter (1967). The Social Reality Of Religion, London, Faber And Faber.
42. Berger, Peter (1973). Sincerity and Authenticity in Modern Society, The public interest, N: 31.
43. Dawkins, Richard (2006). THE GOD DELUSION, New York: Houghton Mifflin.
44. Dawkins, Richard (1993). "Viruses of the Mind," Dennett and His Critics, B. Dahl-

- bom (ed.), Oxford: Blackwell.
45. Feuerbach, l. (1957). *The Essence of Christianity*, ed. And trans. Geiorge eliot, Introd. K. Barth, New York.
 46. Harris, sam, (2004). *The End of faith: Religion, Terror, and the Future of Reason*, New York: w. w. Norton& co.
 47. Hitchens, Christopher, (2007). *God is not great: how religion poisons everything*, New York, Hachette Book Group USA.
 48. Hume, David (1957). *The Natural History of Religion*, H.E. Root (ed.), Stanford, CA: Stanford University Press.
 49. Hume, David (1948). *Dialogues Concerning Natural Religion*, H. Aiken (ed.), New York: Hafner Publishing Co.
 50. Kahane, Guy (2011). "Should We Want God to Exist?" *Philosophy and Phenomenological Research*, vol:82, no:3, pp: 674–696.
 51. Marx, Karl (1970). *contribution to the critique of Hegel's philosophy of right*.
 52. Russell, Bertrand (2005). *Why I am not a Christian*, Routledge Classics, London and New York.
 53. Shermer, Michael (2000). *How we believe: science, skepticism, and the search for God*, Henry Holt and Company, New York.